

دانلود جزوه مبادی ۳ سطح دو (که امسال بجای نحو پیشرفته ۱_۲ اومده)

از درس 1 تا 5

- ۱- علم نحو
- ۲- و درباره نقش الفاظ و مفردات در داخل جمله و ساختن جمله توسط الفاظ به گونه‌ای که کلام عربی صحیح امتقنا دارد.

۲- الفاظ به نظام ترکیب اقسام اند

۱- یک قسم، الفاظ هستند که حرکت آخر آن پیوسته به یک حالت باقی می ماند که لامبنی، نامیده می شوند.

۲- قسم دوم الفاظ هستند که حالت های اعرابی مختلفی بر آخر آن وارد می شود که معرب، نامیده می شود.

* نکته * معرب، در اثر نقش های مختلف، حرکت آخر آن نیز تغییر می یابد

۳- فایده علم نحو ← حق کلام را بشناسیم تا از خطاهای

اشتباه مصون بماند.

حق هر لفظی را ادا کرده و از خطاهای اشتباه

درمان باشد.

۶. موقع «أَنْ» ناصبه من تواند فعل مضارع، انصب دهد؟

۴. من لا یظلم

۱- هرگاه «أَنْ» در ابتداء قرار بگیرد نگاه
در موضع قرار می گیرد

أَنْ و فعل بعد از آن در موضع رفع بنا بر
مبتدا بودن قرار می گیرد.

أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
مبتدا و محلاً مرفوع خیر

۲- «أَنْ» بعد از فعلی قرار بگیرد که دلالت بر

تعیین در جملان کنند

أُرِيدُ أَنْ أَلْعَلُّمَ

فعل غیر یقینی مفعول به

کُنْ ← افاده نفي در مستقبل می کند

كُنْ أَقْصَرُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ

حرف ناصبه مضارع منقوب

مفتحه طاهره

تاریخ

قسم ۱- حروفی کہ بالذات مضارع
را منسوب می کنند .

آن ← ^{مانند} اُریدُ اَنْ اَنْقَلَمُ

لَنْ ← ^{مانند} لَنْ یجودُ البخیلُ

کی ← ^{مانند} ارس کی محفظاً

این ← ^{مانند} این تبلیغُ القصدُ

قسم ۲- حروفی کہ غیر مستقیم

مضارع را نصب
می دهند

لام تعلیل ← ^{مانند} خذ الدواء لئلا

لام تاکید ← ^{مانند} ما كنتُ لِانقضاءِ العهدِ

حی ← ^{مانند} صمَّ حی تفتیب الشمسُ

الفاء سببیه ← ^{مانند} مالنا بحسبی فاحاف

واو معیت ← ^{مانند} لا ازورک و تهیجرتی

واو
فاء
تین
میم
اوا
عاطفه هستند

صل

بسمه تعالی

مواضع رفع مضارع و نصب آن

درس ۲

۴- فعل مضارع، وقتی مرفوع می‌شود که از عوامل نصب
و عوامل جزم و از هر چیزی که سبب صیغی بودن آن
می‌گردد حاشی باشد **مانند** ← يُسْمِرُ الشَّجَرُ
فعل مضارع مرفوع به ضمیر ظاهری

۵- فعل مضارع، وقتی که یکی از ~~حروف ناصبه~~
بر آن وارد شود ← منصوب می‌شود

حروف ناصبه
۱- قسم اول: فعل مضارع را مستقیم نصب
می‌دهند که چهار قسم اند

۲- قسم دوم، حرفی که فعل مضارع را غیر
مستقیم نصب می‌دهند با کلمه "أَنْ"
مستقره

1

سببه معانی
درس ۳

مواضع رفع مضارع و نصب آن (۲)

- ۱- در صدر جمله جوابی باشد ^{که} جمله نه خواهم ^{با آن جواب بدهم}
 - ۲- متصل به فعل باشد
 - ۳- مفعلی که اذن بر سر آن وارد شود
- شروط نصب نفل مضارع و وسط آن نفل مستقبل باشد

مثال: انا استیك اذن الكرمك

به انگار بر روی بنام چنگار کنی در سنت جواب ندهد

* کرم مفعل مضارع را منصوب می کنند خواه همراه با لام مقبلی باشد خواه بدون لام مقبلی باشد

نفل ^{در نصب}
اعزای کسراً ^{آه} یلی ^{ده} از راد ^{مضارع منصوب} معرفه ^{جمله}

نفل ^{در نصب}
احفظ ^{آه} الشقرک ^{در نصب} تنمو ^{مضارع منصوب} لغتی ^{جمله}

* نکته * لام تأکید برای تأکید کردن نفل
لام مجوزی آن لغت آن سوف زیرا همیشه همراه با حجه عینی نفل همراه است.

ما طاعة الله لنظفم الناس نفل
کام منفی لام تأکید نفل
→ ترکیب کنند

(۲)

درس ۳

فائده: لام تقلیل " فاعلش سببی برای مامتل آن
ه باشد

أَنْقَبُ الْآنَ لَا تُسْتَرْجِعُ مِنَ الْمُسْتَقْبَلِ

دشوری را بگذرد نمی آید
در آینده را حدی می کشیم

مامتل → لام تقلیل ← فاعل

* حتى * زمانی فعل مضارع را نصب می دهد که

بمعنای ^{غایت} ^{تعیین} ^{تعیین} ^{تعیین} ^{تعیین} ^{تعیین}

سر ^{غایت} ^{غایت} ^{غایت} ^{غایت} ^{غایت}

غایت
انتهای

سوره تغافل

①

درس ۳

مواعظ رفع مضارع و نصب آن (آن)

* أَوْ زمان فعل مضارع را نصب برده که صلاحیت داشته باشد

آوردن بجای إِلَّا استثنائیه
 یعنی او به معنای الا باشد أَوْ هَذَا كَقَوْلِكَ سَوَاءٌ مَا تَقُولُ
 ای آنرا به عاقبه إِلَّا أَنْ يَطِيعَ
عاقبه إِلَّا أَنْ يَطِيعَ

واو فعلیه و فاء

۱- هر دو مسبوق به نفس محض باشند
لَا اِزْدِرَاكُ وَتَهْمِيْنِ
 نفس محض

سببیت لَا اِزْدِرَاكُ
 با شرط مضارع
 را نصب برده اند

۲- یا مسبوق به طلب محض باشند

لَا اِزْدِرَاكُ وَتَهْمِيْنِ
 نفس محض

نفس محض: نفسی است که چیزی پس از آن نیاید که

موجب تاویل آن به سبب گردد

بوسیله «لا» هم نفس محض نشود

لَيْسَ الاستاذ حاضرًا فنتقد منه
 فعل محض و نفس محض

درس ۴

یا ترالُ تاتینا فنحدنا

حرف تون معناه تون
توق x تون ← مثبت

مرفوع شده

کلام از تون محض خارج شده

ما از ارباب
حرف تون
الایقومون فتعولنا
الاستغاثه
توق ← مثبت

حرف تون لم یزنا ففکره
مفعل تون لیس الاستاذ حاضرًا
توق به وسیله اسم رید غیر مادم تستقره
تسبیحی که مرفوع تون است کانت امیر علیا
تعلیل فتطیلت
قلما تاتینا فنحدنا

طلب محض : طلبی است که غیر از موارد زیر باشد :

غیر از این موارد باشد
اسم نقل ^{نقل} فاعله فاعله
مصدر ^{نقل} سکوناً فینام الناس
طلبی که بالفعل خبر باشد ^{نقل} از تونی الیه رسالاً
فانصدق ^{نقل}

موارد طلب
اسم
نهی
استغاثه
عرض
تخصیص
سب
لنی
ترجی

۳

درس ۴

فعل مضارع پس از خود را به اسم جامد یعنی مصدر
 مبدل از خود عطف می کند

داو
 فاع
 مفعول
 مؤ
 او

جامد { ^{مستوفی} فعل
 تا ریل برده نشود

لولا مشاعلی فکتمنی لنرتک
 جمع مشفنه مصدر می
 عطف م مشاعلی فاع عطف
 فاع عطف

مواضع جزم مضارع (۱)

①

فعل مضارع مجزوم: فعل مضارعی که یکی از ادوات جزم

دهنده پس از آن بیاید

* ادوات جزم ۲ قسم اند
قسم اول: ادواتی که فقط یک فعل را جزم می دهند

قسم دوم: ادواتی که دو فعل را جزم می دهند

* ادواتی که یک فعل را جزم می دهند

۱- لم سأل لم يذهب احد

۲- لها سأل تقلم اخى العزادة ولها يلبس

۳- لام امر سأل لتطبخ نفسك
یا در تقویت یاد کرد

۴- لای نهی نهت لا تباسن من راحة الله

إِنْ ^{بِشَرْتِ} أَنْ تَكْتَسِبَ خَيْرًا

إِذَا ^{بِشَرْتِ} تَقَلَّمْتَ تَقَدَّمْتَ

مَنْ ^{بِشَرْتِ} يَطْلُبُ يَجِدُ

مَا ^{بِشَرْتِ} تَقَلَّمْتَ فِي الصَّفْرِ يَنْفَعُكَ فِي الْبُكَرِ

مَهْمَا ^{بِشَرْتِ} تَأْمُرُ بِالْخَيْرِ أَفْعَلُهُ

أَيُّ ^{بِشَرْتِ} أَيْ تَكْرِمُ أَكْرَمُ

كَيْفَا ^{بِشَرْتِ} تَتَوَكَّأُ تَوَكَّأُ

مَتَى ^{بِشَرْتِ} يَصْلُحُ بَاطِنُكَ يَصْلُحُ ظَاهِرُكَ

أَيْنَا ^{بِشَرْتِ} أَلْمِينَا تَذْهَبُ تَنْجُ

أَيَّانَ ^{بِشَرْتِ} سَأَلْنِي أُجِيبُ

أَنْتِي ^{بِشَرْتِ} أَنْتِي يَذْهَبُ مَصَابِعُ إِيْمَالٍ كَلِيمُ

هَيْمَا ^{بِشَرْتِ} هَيْمَا تَسْقُطُ تَسْبُتُ

ادواتی که ۲ فعل را حزم می دهند

شیرازی

* نکته *

تمامی ادواتی که دو فعل را حزم می کنند ← اهم هستند
به استثنای إِنْ شرطیه ← حرف شرط محسوب می شود

یک جمله شرطی ۳ رکن دارد ← ادوات شرط + فعل شرط + جواب شرط

اولین فعل دومین فعل

ادوات شرط
جمله شرطی
فعل شرط
جواب شرط

چرا یا تویم جواب شرط است ← چون مرتب بر فعل شرط است

نتیجه فعل شرط است

مقدم ← فعل شرط
تاسی ← جواب شرط

احکام فعل شرط — حق فعل شرط ← بر جواب شرط مقدم شود

و جواب شرط

فعل باشد

خبری باشد

مصرف باشد

جواب شرط هیچ

از این شرطی ندارد

خبری باشد ← یعنی طلبی نباشد

مصرف باشد ← در ماضی مضارع و امر صرف شود

